

ایجاد ۳ خانه مهر در کنار مرکز بازپروری «سروش»

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ با اشاره به طرح ارائه‌شده از سوی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ مبنی بر ایجاد «شهر سلامت» در جهت بازپروری معتادان، گفت: طرح دهکده سلامت برای بازپروری معتادان و حرفه‌آموزی و در نهایت بازگشت آنها به خانواده با ظرفیت ۱۰ هزار نفر به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارائه‌شده است. به گزارش ایسنا، سرهنگ عبدالوهاب حسونند که برای پیگیری مصوبات بازدید رئیس‌جمهوری‌به مرکز سروش رفته بود، با حضور در جمع

اعتیاد به مرز هشدار رسید

زندگی که زنده نیست

دهخدا واژه اعتیاد را عادت کردن و خوگرفتن به چیزی معنی کرده است. در دوره‌ای نه‌چندان دور از افراد گرفتار در دام اعتیاد با عنوان انگل جامعه نام برده می‌شُد. همان سال‌هایی که بچه‌های دهه شصتی مدرسه می‌رفتند. یادم است یکی از معلمان‌مان با اشاره به عملکرد انگل در بهره‌گرفتن از بدن انسان و رشد کردن، ضمن تاکید بر بی‌خاصیت بودن این موجود، فرد معتاد را به انگل تشبیه می‌کرد. در گذر زمان از معتادان با عنوان بیمار نام برده شد؛ بیماری که پس‌زدگی‌های اجتماعی شرایط او را وخیم‌تر می‌کند و آسیب‌های ناشی از آن به زندگی ما نیز اتر خواهد کرد. بنابراین تلاش برای بهبود شرایط زندگی و تسرک کردن این بیماران، به منزله بهبود در شرایط اجتماعی و رهایی خودمان از آسیب‌های این بیماری است. در تمامی این نگاه‌ها به بعد انسانی افراد گرفتار اعتیاد، توجهی نشده است، گویی فراموش کرده‌ایم با انسانی روبه‌رو هستیم که به‌جز انسانیتش چیز دیگری ندارد.

بیرمردی گوشه خیابان چمباتمه زده، پایپی در دست دارد و شیشه می‌کشد. ماشین‌ها از خیابان عبور می‌کنند؛ برخی سرنشینان گوشه چشمی به او می‌اندازند اما اغلب حتی متوجه او هم نمی‌شوند. این صحنه در دروازه‌غار آن‌قدرها هم عجیب نیست که توجه عابران همیشگی را به خود جلب کند. راستی گفتم پیرمرد؛ واقعا چند سال سن دارد؟ لحظه اول گمان کردم ۵۰ سالار دارد اما شکسته‌تر به‌نظر می‌رسد. اما

حاضر م زندان بروم اما کمپ ترک اعتیاد، نه

سیا، جوان سی‌وچند ساله است که از ۲ سال پیش و پس از شکست در قمار و از دست دادن سرمایه‌اش، به مصرف شیشه روی آورد. از همان‌ها که مواد می‌کشند تا برای چند ساعت مشکلات‌شان را فراموش کنند.

از همان‌ها که شیشه‌می‌کشند تا بهت‌ناکار کنند. واقعیتش روزهای اول بهتر هم کار می‌کنند. مغزشان فعال می‌شود. اما این روند آن‌قدرها هم ادامه‌دار نیست و خیلی زود اثرات منفی مصرف این ماده مخدر روی ذهن و بدن آنها آشکار می‌شود.

سیا چند روزی است در فرآیند ترک قرار گرفته است. اعتقاد دارد اگر بخواهد می‌تواند ترک کند. نشسته گوشه اتاقی در مسافر‌خانه و لب به مواد نمی‌زند. می‌پرسم، ترک در چنین شرایطی دشوار نیست؟ نمی‌خواهید به کمپ بروید؟

می‌گوید: «معتادان از کمپ فراری هستند. ما ترجیح می‌دهیم زندان برویم اما کمپ نه. در دوره‌هایی که طرح‌هایی برای جمع‌آوری معتادان متجاهر اجرایی می‌شود، باید بیایید و اینجا را ببینید. معتادان آلتماس می‌کنند، آنها را به کمپ نبرند. یک سال گشتگی، تحقیر و آزار... چه نتیجه‌ای دارد؟»

یک ساعت بعداز آزادی دوباره به‌مصرف مواد روی‌آوری اما این بار قوی‌تر، واقعیت این است که کمپ‌های اجباری با حداقل هزینه اداره می‌شوند. یک سال آنجایی، محکومی به ترک با اعمال شاقه، بدون آنکه نتیجه‌ای داشته باشد. آن‌قدر تحقیر می‌شوی که هر روز در فکر فرار و بازگشت مجدد به مواد هستی.»

ادامه می‌دهد: «معتادان به شیشه رادیده‌اید؟ همگی لاغر هستند. شیشه شماراز غذا می‌اندازد. من در یک سال ۳۰ کیلو وزن کم کردم. بنابراین فردی که در فرآیند ترک مواد است باید غذا بخورد اما غذایی نیست. به معتادان می‌گویند به خانواده‌تان زنگ بزنید تا برایتان پول یا غذا بفرستند. آخر معتاد کارت‌نخ‌خواب چه خانواده‌ای برایش مانده است؟ اصلا اگر خانواده درست‌وحسابی داشت که گذرش به شما نمی‌افتاد.»

سیا جوان است و هنوز به آینده‌ای پاک امید دارد. او می‌گوید: «فردی که اعتیاد را ترک می‌کند باید کار و حرفه‌ای را شروع کند. تا سرش گرم باشد و از آن مهم‌تر از پس‌تامین هزینه‌های زندگی بر بیاید. کمپ بهترین زمان برای آموزش دادن به معتادان، ایجاد انگیزه برای آنها و

نهاد مسئول کجاست؟

میلیون نفری گرفتار به اعتیاد معضلی است که نمی‌توان چشم‌به‌روی آن بست و بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. در همین حال، براساس گزارشی از خبرگزاری صداسویما، اسکندر مومنی، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر چندی پیش در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما اعلام کرد: در دهه‌های ۸۰۷۰ و ۹۰ شاهد رشد شیوع مصرف مواد مخدر و همچنین کاهش سن اعتیاد بوده‌ایم.

وی با اشاره به طرح‌های متعددی که برای ساماندهی معتادان متجاهر انجام‌شده، گفت: بیش از ۷۰ درصد این افراد ساماندهی شده‌اند. اما یکی از مشکلات اساسی در حوزه در مان معتادان این است که متاسفانه بیش از ۸۰ درصد معتادانی که درمان می‌شوند، دوباره به چرخه مصرف اعتیاد بر می‌گردند.

با آنکه در آمار ارائه‌شده از سوی مراجع رسمی درباره آمار معتادان کشور شک و شبهه‌های بسیاری وجود دارد اما نکته جالب این است که سیاست‌گذاران نیز نسبت به عملکرد بی‌نتیجه خود اذعان دارند.

گزارش

خبرنگاران، پخش اداری، ستادی و انتظامی، ساختمان چندمنظوره سینما و تئاتر، پارک، مرکز مطالعات بالینی مواد مخدر و سالن ورزشی را از جمله بخش‌های طراحی‌شده برای دهکده و شهر سلامت دانست و اظهار کرد: این دهکده دارای تجهیزات مختلفی با ظرفیت هزار مترمربع و ۲۱ حرفه برای مددجویان طراحی‌شده که یادگیری این حرفه‌ها برای مددجویان اجبار بوده و همه باید آن را یاد بگیرند. وی خانه مهر در حال تاسیس را از دیگر بخش‌های دهکده سلامت عنوان کرد و این را هم گفت که تاکنون ۳۲ واحد



براساس آمارهای رسمی ارائه‌شده در سال گذشته ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر معتاد رسمی در کشور شناسایی شده‌اند که به صورت تفتنی مواد مخدر مصرف می‌کنند

زندگی روی دور تند

آن‌قدرها هم زمان نمی‌برد. در کوچه‌های تنگ و باریک، درست مقابل چشمان عابران مواد مخدر فروخته می‌شود. این محله، همان جایی است که در هر ساعتی از شبانه‌روز به آن سر بزنید، می‌توانید هروئین و شیشه، یعنی خطرناک‌ترین مواد را خریداری کنید. جنسیت، سن و سال و ظاهر شما هیچ اهمیتی ندارد، مهم این است که خریدار باشید. در بهت سهل‌الوصول بودن این مواد هستیم، کمی آن‌طرف‌تر، شاید چند کوچه جلوتر،

آن‌قدرها هم زمان نمی‌برد. در کوچه‌های تنگ و باریک، یعنی این کودکان که به هر علتی در این منطقه ساکن هستند، هر روز و در میان بازی شاهد خرید، فروش و استعمال مواد مخدر هستند؟ یعنی دسترسی آنها به توپ یا شیشه به یک اندازه سهل‌الوصول است؟

بهرآسانی آینده این بچه‌ها چطور رقم می‌خورد؟ دروازه غار، تنها محلی است برای دیدن و تماشای بخشی از شهر که به آخر رسیده‌ها در آن جمع شده‌اند

ترک مواد هم طبقاتی است

مشاوره درمانی و پزشکی و همراهی خانواده بیمار، همگی و همگی در لیست‌های بلندبالای این مراکز ترک اعتیاد قرار دارند. وجود چنین مراکزی در کشور جای خوشحالی دارد، چراکه حکایت از آن دارد که این باور وجود دارد که اعتیاد بیماری است و با صرف هزینه و انرژی و حتی غیرممکن می‌کند. اما در همین شهر کمپ‌هایی هستند که خدماتی ویژه و لاکچری ارائه می‌دهند. حضور در این مراکز، شانس ترک موفق را برای افراد دوچندان می‌کند.

گویی اعتیاد و ترک آن نیز به ویژگی طبقاتی بدل شده است. تفاوت نرخ و خدمات از نوع مواد مصرفی تا فرآیند ترک آنها به چشم می‌خورد. اغلب افرادی که برای فرآیند ترک به این مراکز سر می‌زنند، پس از اتمام دوره در مان خود، به‌طور دائم از انواع خدمات روانشناسی و پزشکی بهره می‌گیرند.

در کمپ‌های گران ترک اعتیاد تلاش می‌کنند تا فرد را در محیطی عاری از هر گونه مواد اعتیادآور تحت حمایت‌های روحی قرار دهند. در همین حال انواع مهارت‌های ارتباطی و توانایی بیان مشکلات نیز به افراد آموزش داده می‌شود.

بیماران می‌توانند از انواع خدمات ورزشی و سرگرمی همچون استخر، سونا، ورزش‌های باشگاهی، بدن‌سازی، تنیس و... بهره

موسیقی، فعالیت‌های هنری، بازی‌های گروهی و فکری و حتی رایانه‌ای از دیگر خدمات ارائه‌شده در این مراکز است.

بوفه، کافی‌شاپ و تمامی امکانات رفاهی و هتلی در این کمپ‌ها ارائه می‌شود. خدمات

سخن پایانی

طی سال‌های اخیر و هم‌زمان با شدت گرفتن معضلات اقتصادی در کشور، شاهد رشد روزافزون آمار اعتیاد بوده‌ایم. سن اعتیاد در کشور کاهش یافته است. نبود دورنمایی روشن از آینده، در دسترس نبودن امکانات برای تفریح و شادی یا گران بودن این گونه تفریحات همگی موجب شده‌اند تا نوجوانان به سمت شادی‌های کاذب یا انواع مواد مخدر روی آورند.



مرضیه احقای خیرنگار

در جوامع مدرن ارتقای سطح سلامت جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه تلاش برای بهبود سلامت تک‌تک افراد متضمن بهبود شرایط اجتماعی و حتی توسعه است.

در طول سال‌های گذشته و به‌واسطه سبک غلط مدیریت حاکم بر کشور شاهد انواع معضلات اجتماعی و فراگیر شدن آنها در کشور هستیم.

در این میان، اعتیاد به‌عنوان یکی از خطرناک‌ترین آسیب‌های اجتماعی مطرح می‌شود.

اعتیاد یعنی خروج از نظمی که جامعه تعیین کرده است، مقرراتی که براساس نظام جامعه خویند و لازمه بقای یک جامعه. ما در نظم و قاعده زندگی می‌کنیم اما هرگاه از نظم و قاعده به تنگ می‌آییم به سمت اعتیاد می‌رویم.

شاید به همین دلیل نیز افرادی بیشتر با اعتیاد روبه‌رو می‌شوند که نظم‌گریزی بیشتری دارند یا تن دادن به نظم اجتماعی عملا سودی برای آنها ندارد.

فرد معتاد خلاف قوانین گام برمی‌دارد اما موضع دیگری برای بروز خلاقیت و آزادی‌گی خود ندارد؛ بنابراین در چرخه‌ای مغرب‌گیر می‌کند که در نهایت به نابودی او و در مواردی اطرافیش منجر می‌شود.

هر ساله آساری از تعداد افراد درگیر با اعتیاد مطرح می‌شود تا جامعه امکان برنامه‌ریزی برای شرایط آنها را داشته باشد. فرار از موفقیت یا ناکامی سیاست‌گذاران در رسیدگی به شرایط این افراد باید تاکید کرد که تقلیل دادن این انسان‌ها به آمار و اعداد اشتباه‌ترین گام برای رفع این شرایط است.

وقتی سخن از انسان معتاد می‌کنیم، بحث فراتر از آمار و ارقام است، اینجا مسئله انسان‌ها مطرح است. انسانی که داستانی برای خود دارد، مادر است، پدر است، فرزند کسی است. دوست کسان دیگری است و به‌مرور همه اینها را از دست می‌دهد و تمام کسایش او را از دست خواهند داد. پس لطفا این آدم‌ها را به عدد و رقم خلاصه نکنید.

راستی مقصر این اعتیاد کیست؟ فرد معتاد؟ جامعه؟ خانواده؟ آیا هر کدام از مایه تک‌تکون لب به مواد نزن‌دایم، یا اگر هم امتحان کرده‌ایم، تفتنی بوده و دوباره بازنگشته‌ایم، قهرمانیم؟ آیا این حق را داریم که معتادان را مورد عتاب و بازخواست قرار دهیم؟ چندبار با دیدن یک انسان معتاد صادفانه به این فکر کرده‌ایم که اگر من در شرایط و جایگاه او بودم، اکنون چطور بودم؟

چندبار خوشحال شده‌ایم که جای او نیستم و تلاش کرده‌ایم به‌جای تمام ناکامی‌هایمان فخر همین گرفتار نشدن به افیون را به رخ دیگران بکشانیم؟ چندبار با سوال‌بیچ کردن افرادی که در گذشته در دام اعتیاد بوده‌اند،

زندگی را برای آنها تلخ‌تر کرده‌ایم؟ تمام موارد یادشده تنها جنبه‌ای کوچک و گذرا از مسئله اعتیاد است؛ آن‌هم از زبان فردی که درکی از این شرایط به معنی خاص و عمیق آن ندارد و تنها تلاش کرده برای چند ساعتی به شرایط افراد درگیر با معضل اعتیاد فکر کند.

اما درست آن است که برای درک اعتیاد به سراغ معتادان برویم. گفت‌وگو با کسانی که هیچ تجربه عینی از اعتیاد ندارند، هیچ فایده‌ای ندارد جز آنکه بحث را به مباحث نظری بی‌نتیجه تقلیل خواهد داد.

